

جستاری در ظاهر و باطن رفتار انسان و نعمت‌های الهی*

آیت‌الله علّامه محمدتقی مصباح

چکیده

انسان مخلوق خدای متعالی است که نعمت‌های بیکرانی به او اعطا کرده است، نعمت‌های مادی و نعمت‌های معنوی. شکرگزاری مخلوق در برابر خالق منان، کمترین وظیفه‌بندگان شایسته‌خداست. غالباً نعمت‌های مادی برای ما جلوه‌گری می‌نماید. اگر بنده شاکری باشیم، از این نعمت‌ها خدای متعال شاکریم. در حالی که نعمت‌های معنوی به مراتب مهم‌تر و ارزشمندتر از نعمت‌های گذرای مادی است. هرچند ما معمولاً در برابر شکر نعمت‌های الهی غافل و یا ناتوانیم، اما اعتراف به ناتوانی از شکر نعمت‌های الهی، از جمله سیره حضرات معصومان: است که ما نیز باید از این سیره پیروی کنیم.

کلیدواژه‌ها: نعمت، نعمت‌های مادی، نعمت‌های معنوی.

جلوه ملکوتی ایمان و الطاف الهی

آن گل قرار می‌دهند، یا در زمان سابق برای تزیین شتر که به عنوان مرکب از آن استفاده می‌شد، برآمدگی جلوی هودج که روی شتر قرار می‌گرفت و نیز بر سر و روی شتر منگوله نصب می‌کردند تا موجب زیبایی و شکوه آن مرکب گردد. شاید در بدو امر به نظر رسد که این تعبیر صرفاً جنبه استعاره‌ای و کنایی دارند و آراسته شدن به جامه‌هایی از انوار ایمان و یا افکنده شدن طوق‌ها و رشته‌هایی از احسان بر گردن، صرفاً تعبیری کنایی و استعاره‌ای هستند، چنان‌که نظیر این تعبیر در آیات و روایات نیز وارد شده و برای آنها تأویل‌هایی بیان کرده‌اند. اما بر اساس آنچه از آیات و روایات استفاده می‌شود که به وسیله تجربیات برخی از بزرگان و اولیای خدا تأیید شده است، آن تعبیر از ملکوت و حقایق و صورت‌های باطنی رفتار و گرایش‌هایی چون ایمان به خدا خبر می‌دهند. چیزهایی که ما در این عالم مشاهده و درک می‌کنیم، علاوه بر صورت‌های ظاهری که به وسیله آنها برای ما قابل مشاهده‌اند، دارای صورت‌های باطنی نیز هستند که درک آنها از عقل بشر خارج است. از این رو، برخی از رفتارها که در ظاهر زیبا هستند، صورت باطنی آنها زشت و نازیباست. کسانی که چشم باطن دارند، زشتی باطن آن رفتار را مشاهده می‌کنند. در مقابل، برخی رفتارها در ظاهر زیبا به نظر نمی‌رسند، اما در باطن زیبا هستند و زیبایی باطنی آنها برای کسانی که چشم باطن دارند، قابل مشاهده است.

هویت باطنی رفتار زشت

برحسب آنچه از آیات و روایات استفاده می‌شود، گذشته از انوار حسی و ظاهری، انوار باطنی نیز وجود دارند و رفتار علاوه بر هویت ظاهری، دارای هویت باطنی نیز هست. آنچه درباره توصیف برخی از رفتارها در روایات

توجه ما بیشتر به نعمت‌های مادی و دنیوی است. کمتر به نعمت‌های معنوی توجه داریم، از این رو، وقتی درصدد شکرگزاری از نعمت‌های خداوند برمی‌آییم، به نعمت‌های مادی و دنیوی نظیر مسکن، خوردنی‌ها و موقعیت اجتماعی و مقام که در اختیارمان قرار گرفته، نظر می‌افکنیم و به پاس برخورداری از آنها شکر خداوند را به جا می‌آوریم. اما از نعمت‌های معنوی نظیر نعمت ولایت اهل بیت علیهم‌السلام که بسیار والاتر و ارزشمندتر از نعمت‌های مادی هستند، غافلیم. اما حضرت بدون اینکه به نعمت‌های مادی تصریحی داشته باشند - گرچه اطلاق سخن ایشان درباره نعمت‌ها، به نعمت‌های مادی نیز ناظر می‌باشد - به نعمت‌های معنوی تصریح دارند و برخی از آنها را نام می‌برند و می‌فرمایند: «جَلَّلْتَنِي نِعْمَكَ مِنْ أَنْوَارِ الْإِيمَانِ حُلَلًا، وَضَرَبْتَ عَلَيَّ لَطَائِفَ بَرَكَ مِنْ الْعَزِّ كَلَلًا، وَقَلَّدْتَنِي مِنْكَ قَلَائِدَ لَا تُحَلُّ، وَطَوَّقْتَنِي أَطْوَقًا لَا تُقَلُّ»؛ نعمت انوار ایمان مرا با جامه‌ها و زیورهای مجلل آراسته است و لطایف جود و کرمات تاج عزت بر سرم نهاده و احسان‌هایت رشته علاقه و طوق‌های شرافتی بر گردنم افکنده، که دیگر گشوده نمی‌گردد.

حضرت در سخن ادبی خود، که با تشبیهات لطیف و زیبایی همراه گشته، انوار ایمان را به جامه و زیورهایی تشبیه می‌کنند که موجب آراستگی انسان گردیده‌اند. همچنان احسان‌های خداوند را به مثابه تاجی معرفی می‌کنند که بر سر انسان نهاده شده است. در زبان فارسی وقتی کسی دیگری را مورد تکریم و احترام قرار می‌دهد و از او تجلیل می‌کند، به وی می‌گویند: «چه گلی بر سر او نهادی» این ضرب‌المثل و تعبیر از آن روست که برای آرایش و تزیین برخی از اشیا از گل استفاده می‌کنند. به عنوان نمونه، وقتی کادویی برای کسی تهیه می‌کنند، روی

جلوه ملکوتی نماز و قرائت قرآن

همچنین روایات بسیاری حکایت از آن دارند که رفتار ما در شب اول قبر و سپس در عالم برزخ و نیز در عالم قیامت با صورت‌هایی زیبا و یا با صورت‌هایی زشت و وحشتناک ظاهر می‌گردند. از جمله رسول خدا ﷺ درباره نماز می‌فرمایند: «نماز به صورت انسانی نورانی نزد مرده در قبر می‌آید و با او در قبر مأنوس و هم‌نشین می‌گردد و ترس‌ها و وحشت‌های عالم برزخ را از او دور می‌سازد.»^(۱)

به حسب ظاهر، نماز عبارت از اذکار، حرکات و رفتارهایی است که به عنوان عبادت انجام می‌پذیرد. اما بر اساس روایت مزبور، در عالم برزخ که اعمال انسان تجسم می‌یابد و هویت ملکوتی و باطنی خود را بروز می‌دهد، آن نماز به صورت دوستی نورانی و دلسوز در عالم قبر حاضر می‌شود و پیوسته در کنار کسی که در دوران حیات خود به بندگی و عبادت خداوند پرداخته باقی می‌ماند. او جدا نمی‌شود، و با او انس می‌گیرد و آرامش و آسایش هم‌نشین خود را فراهم می‌کند و بیم و ترس را از او زایل می‌گرداند. اینکه چگونه اعمال انسان در سرای آخرت تجسم می‌یابد و نمازی که مرکب از اذکار و رفتارهاست به صورت شخصی نورانی مجسم می‌گردد، با نظام حاکم بر جهان آخرت قابل توجیه است. نظامی که با نظام دنیا متفاوت است و قوانین حاکم بر آن با قوانین حاکم بر این جهان متفاوت می‌باشد. از این رو، درک چنین امری برای ما ممکن نمی‌باشد. تلاش برخی برای همانندسازی آن با نظامات و قوانین تکوینی این دنیا ناصواب است. نظیر آنکه برخی تجسم اعمال را از قبیل تبدیل انرژی به ماده و تبدیل ماده به انرژی به حساب آورده‌اند. مسلماً چنین نیست و تبدیل ماده به انرژی و بالعکس مربوط به این جهان است. رابطه این عالم با عالم ملکوت و رابطه عالم

و آیات آمده فراتر از تشبیه و کنایه است و حاکی از صورت باطنی آنها است. از این منظر، کسانی که مال یتیم را می‌خورند و نیز کسانی که برای حفظ منافع مادی خود حقایق دین را کتمان می‌کنند و از این راه به سود و منفعت می‌رسند، در حقیقت آتش می‌خورند و این آتش در برزخ و قیامت تجسم و عینیت می‌یابد. در این دنیا، گرچه از چشم افراد ظاهرین پنهان است، اما افرادی که خداوند چشم باطن به آنها عنایت کرده، در این دنیا نیز آن آتش و لهیب سوزان آن را مشاهده می‌کنند. خداوند می‌فرماید: «همانا کسانی که آنچه را خدا از کتاب فروفرستاده پنهان می‌کنند و آن را به بهایی اندک می‌فروشند، اینان در شکم‌های خویش جز آتش نمی‌خورند و خداوند روز رستاخیز با آنان سخن نمی‌گوید و پاکشان نمی‌سازد و آنان را عذابی است دردناک.» (بقره: ۱۷۴)

در آیه دیگر می‌فرماید: «همانا کسانی که مال‌های یتیمان را به ستم می‌خورند جز این نیست که در شکم‌های خود آتش می‌خورند و به زودی به آتش افروخته جهنم درآیند.» (نساء: ۱۰)

قرآن در تبیین حقیقت و باطن غیبت نیز می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها [گمان‌های بد] بپرهیزید؛ زیرا برخی از گمان‌ها گناه است، و [در احوال و عیب‌های پنهان مردم] کاوش مکنید و برخی از شما غیبت برخی را نکنند، آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ بی‌گمان آن را ناخوش و ناپسند می‌دارید؛ و از خدا پروا کنید که خدا توبه‌پذیر و مهربان است.» (حجرات: ۱۲)

از منظر قرآن حقیقت غیبت و بدگویی پشت سر دیگران، خوردن گوشت مرده برادر است. اهل کشف، شهود و اهل باطن در برخی از مکاشفات خود این واقعیت را مشاهده کرده‌اند.

دنیا و عالم برزخ نظام دیگری دارد و تحت قانون تبدیل انرژی به ماده نمی‌گنجد. مگر حرکات و سکانات در نماز چقدر انرژی دارد که تبدیل به انسانی زیبا گردد. به حسب ظاهر، حرکات شخص نمازگزار با حرکات یک ورزشکار چه تفاوتی دارد و چرا حرکات آن ورزشکار تبدیل به انسان یا چیز دیگری نمی‌گردد؟ پس نمی‌توان از آنچه در روایات درباره صورت ملکوتی رفتار انسان آمده تفسیر مادی داشت.

در برخی روایات آمده است خانه‌هایی که در آنها قرآن تلاوت می‌شود، به مانند ستارگان برای فرشتگان و سماواتیان می‌درخشند و نورافشانی می‌کنند: رسول خدا ﷺ فرمودند: خانه‌های خود را با تلاوت قرآن روشن کنید و آنها را گورستان قرار ندهید، چنان‌که یهود و نصارا چنان کردند، در کلیساها و عبادتگاه‌های خود نماز گزارند و خانه‌های خود را معطل نهادند (و در آنها عبادتی انجام ندادند)؛ زیرا هرگاه در خانه بسیار قرآن تلاوت شود، خیر و برکتش زیاد می‌شود و برای اهل آن فراخی و وسعت فراهم می‌آید. آن خانه برای اهل آسمان درخشندگی دارد، چنان‌که ستارگان آسمان برای اهل زمین می‌درخشند.»^(۲)

امیرالمؤمنین علیؑ نیز در این باره فرمودند: «خانه‌ای که در آن قرآن خوانده شود و خداوند در آن یاد شود، برکتش بسیار گردد و فرشتگان در آن حاضر گردند و شیاطین از آن دور شوند و برای آسمان می‌درخشند، چنان‌که ستارگان برای اهل زمین می‌درخشند.»^(۳)

وقتی انسان در شب به آسمان صاف و خالی از ابر می‌نگرد، جلوه‌گری ستارگان چشم او را می‌نوازد و از تماشای آسمانی که با ستارگان زیبا گشته است، لذت می‌برد. از نگاه کردن به آن منظره فرحناک سیر نمی‌گردد. بخصوص به هنگام سحر که زیبایی و جلوه‌گری ستارگان

بیشتر می‌گردد، انسان شدیداً تحت تأثیر آن زیبایی قرار می‌گیرد. زیبایی آسمان پرستاره برای همه قابل درک است و در ادبیات و اشعار اقوام، فرهنگ‌ها و ملت‌های گوناگون به خوبی تجلی یافته است. حتی کسانی که اعتقادی به خدا و دین الهی ندارند، گفته‌اند که در عالم چیزی زیباتر از آسمان پرستاره وجود ندارد. از کانت که در زمره فلاسفه و اندیشمندان بزرگ غربی به شمار می‌آید، نقل شده که گفته است دو چیز در این عالم مرا شدیداً تحت تأثیر زیبایی خود قرار داده است: یکی آسمان پرستاره، و دیگری وجدان انسان. قرآن درباره زینت یافتن و زیبا گشتن آسمان به وسیله ستارگان می‌فرماید: «ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم.» (صافات: ۶)

همان‌گونه که ستارگان به آسمان زیبایی می‌بخشند و برای زمینیان می‌درخشند و آنان را سرشار از لذت و سرور می‌کنند، خانه‌هایی که در آنها قرآن تلاوت می‌گردد، برای ملکوتیان و فرشتگان نورافشانی می‌کنند و آنان از مشاهده این کانون‌های قرآنی و نورانی لذت می‌برند. بی‌شک درس تفسیر حضرت آیت‌الله جوادی آملی (حفظه‌الله) از کانون‌های نورانی و فیض‌گستر است که برای ملکوتیان درخشش و نورافشانی دارد و از آن لذت می‌برند. امیدواریم که خداوند بر توفیقات ایشان بیفزاید و به دیگران نیز توفیق دهد که به آموزش و فهم قرآن اهتمام بورزند.

مسئله نورافشانی قرآن و خانه‌هایی که قرآن در آنها تلاوت می‌شود، فراتر از تشبیه و تمثیل است. واقعیت و حقیقتی است که برای اهل مکاشفه و دوستان خاص خدا به وضوح قابل درک و مشاهده است. مرحوم کربلایی کاظم ساروقی کسی است که بر اثر اهتمام جدی به احکام الهی و انجام تکالیف شرعی و از جمله بر اثر اهمیت دادن به مسئله خمس و زکات، مورد عنایت خاص خداوند و

روایات مبنی بر اینکه انوار ایمان بسان جامه‌ها و زیورهایی مؤمن را آراسته می‌سازد و جود و کرم و احسان الهی تاج عزت و رشته شرافت بر سر و گردنش می‌نهد، حکایت از حقیقتی معنوی دارد که ایمان به انسان می‌بخشد. البته این هویت معنوی و الهی به وسیله افراد ظاهرین قابل درک نیست. چه بسا قیافه کافری که تمیز و مرتب است در نظر ما زیباتر و خوشایندتر از قیافه مؤمن به نظر رسد، اما در نظر اهل باطن قیافه کافر، زشت و بدمنظر است، هرچند در ظاهر زیبا باشد و قیافه مؤمن زیبا و نورانی است، هرچند در ظاهر آراسته نباشد. این نعمت‌های معنوی بسیار فراتر از نعمت‌های ظاهری است و نعمت‌های مادی و ظاهری در مقایسه با آنها چیزی به حساب نمی‌آید. از این رو، حضرت روی آنها تأکید می‌کنند و آنها را زیباترین زینت‌های انسان معرفی می‌کنند. این زینت‌ها و زیورهای معنوی که باز نمود اعمال صالح انسان است، در قیامت که تجلی‌گاه اعمال است، انسان بهشتی و ره‌یافته به رضوان حق را آراسته می‌سازند و بر گردن و دست‌های او آویخته می‌شوند و به او زیبایی و جلوه بهشتی می‌بخشند: ﴿عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا﴾ (انسان: ۲۱)؛ [بهشتیان] جامه‌هایی سبز از دیبای نازک و ستبر در بردارند و با دستواره‌های سیمین زیور شده‌اند و پروردگارشان به آنان شرابی پاکیزه بنوشاند.

تعبیر «حَلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ» از آن‌روست که در فرهنگ عرب، بهترین زیورها را به طلا و نقره نسبت می‌دهند و بر اساس آن فرهنگ و ذهنیت، قرآن می‌فرماید که بهشتیان با دستواره‌هایی از نقره زینت یافته‌اند و این تمثیل و تشبیه با هدف ایجاد فهم و درک ناقصی از برخی از نعمت‌های بهشتی است و الا زینت‌های بهشتی قابل مقایسه با طلا و نقره و سایر زینت‌های دنیایی نیستند؛

حضرت ولی عصر (عج) قرار گرفت. با وجود آنکه روستایی ساده و بی‌سواد بود، به یک‌باره حافظ قرآن گردید و نورانیت آیات قرآن را به وضوح درک می‌کرد. درباره کرامات و شرح حال آن بنده خالص خدا، کتاب‌هایی نوشته شده و برخی از بزرگان مطالبی درباره ایشان نقل کرده‌اند. از جمله مرحوم آیت‌الله حاج‌آقا مرتضی حائری نقل کردند که کتاب **جواهر الکلام** را که کتابی فقهی است در برابر مرحوم کربلایی کاظم گشودند. او چون سواد نداشت نمی‌توانست مطالب کتاب را بخواند، اما به خوبی آیات قرآن که در لابه‌لای سطور برخی از صفحات کتاب نوشته شده بود و از نظر قلم و رنگ تفاوتی با سایر نوشته‌ها نداشت، تشخیص می‌داد و دست می‌نهاد روی آیه قرآن و می‌گفت: این آیه قرآن است. وقتی از او سؤال کردم که از کجا متوجه شدی که آن جمله آیه قرآن است؟ در پاسخ گفته بود آن جمله نورانی است و من از نورانیت آن متوجه گردیدم که آیه قرآن است! آیت‌الله خزعلی نقل کردند که روزی کربلایی کاظم در حجره مهمان طلبه‌ها بود. یکی از طلبه‌ها به قصد قرآن یک واو روی کاغذ نوشت و واو دیگری بدون قصد قرآن نوشت و از آن مرحوم پرسید کدام یک از آن دو از قرآن است؟ کربلایی کاظم دست گذاشت روی واوی که به قصد قرآن نوشته شده بود و گفت این حرف نورانی و از قرآن است و حرف دیگر نورانی نیست. این کرامت‌ها حاکی از آن هستند که در عالم اسرار و حقایقی وجود دارد که درک و فهم ما به آنها نمی‌رسد. اما با توجه به آنکه آیات و روایات و مشاهدات بزرگان بر حقانیت آنها دلالت دارد، ما نباید آنها را دروغ ببنداریم.

نگاهی دوباره به تجسم اعمال

روشن گردید که تعبیرات ادبی در این مناجات و سایر

إِخْصَاءِهَا، وَنِعْمًا وَكَ كَثِيرَةً قَصْرَ فَهْمِي عَنْ إِدْرَاكِهَا، فَضْلًا عَنِ اسْتِثْقَاءِهَا، فَكَيْفَ لِي بِتَخْصِيلِ الشُّكْرِ، وَشُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرِي؟! فَكَلِّمْنَا قُلْتُ لَكَ الْحَمْدُ وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ؛ بخشش‌های تو چنان زیاد است که زبانم از شمارش آنها ناتوان است و نعمت‌های تو فراوان است که فهم از ادراک آنها قاصر است تا چه رسد که همه آنها را بتوان به نهایت سنجه کرد. پس من چگونه می‌توانم شکر آن نعمت‌ها را به جای آورم و حال آنکه بر شکر من از تو شکری لازم است و هرگاه که من بگویم که حمد تو را سزد باید که به پاس آن حمد تو را حمد و ستایشی دیگر گویم.

گاهی چیزهایی به قدری زیاد و فراوان است که انسان نمی‌تواند آنها را بشمارد، اما ذهن انسان می‌تواند آنها را تصور کند. حضرت می‌فرماید: نعمت‌های خداوند به حدی زیاد است که هم شمارش آنها امکان‌پذیر نیست، و هم نمی‌توان آنها را در قالب محدود ذهن تصور و فهم کرد. پس با توجه به اینکه امکان شمارش و بازشناسی همه نعمت‌ها فراهم نیست و هم تصور و فهم ما از آنها ممکن نمی‌باشد و ما از بسیاری از نعمت‌ها بی‌اطلاع هستیم، امکان به جا آوردن حق شکر آنها نیز میسر نمی‌باشد. علاوه بر این، هر شکری نعمت و توفیقی است که خداوند به ما عنایت کرده است و باید به پاس آن خداوند را شکر کرد. مضمون این سخن در بسیاری از روایات آمده، از جمله در روایتی امام صادق علیه السلام فرمودند: «موفقیت در انجام شکر و سپاس خود نعمت تازه‌ای است که شکر آن لازم است و این موفقیت با ارزش‌تر و پریمیتر از آن نعمتی است که موفق به شکر آن شده‌ای. پس برای هر شکری، شکری برتر از آن بایدت تا بی‌نهایت که انسان شکرگزار غرق در نعمت حق است و از رسیدن به غایت و نهایت شکر قاصر و عاجز می‌باشد.»^(۴)

چون درک حقیقت آنها برای ما میسر نیست، خداوند بر آن شده که در حد فهم و درک ما زینت‌های بهشتی را به ما معرفی کند. آن نعمت‌ها و زیورها تجسم و باز نمود رفتار و اعمال ما هستند و دقیقاً آنچه در آخرت در اختیار ما قرار می‌گیرد متناسب با رفتار ما در دنیا است. از این رو، اعمال صالح ما در آخرت هویت حقیقی خویش را باز می‌یابند و به صورت جامه‌ها و زیورات و سایر نعمت‌های بهشتی در اختیار ما قرار می‌گیرند. در مقابل، اعمال ناشایست ما در قالب عذاب‌های الهی ظاهر می‌گردند. قرآن درباره متجاوزان به حقوق و اموال مردم و کسانی که از راه حرام برای خویش ثروت و زر و سیم فراهم می‌آورند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر آینه بسیاری از علمای یهود و راهبان مال‌های مردم را به ناشایست می‌خورند و [آنان را] از راه خدا باز می‌دارند؛ و کسانی که زر و سیم می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، پس آنان را به عذابی دردناک مژده ده. روزی که آن [زر و سیم] را در آتش دوزخ بگدازند و با آن پیشانی‌ها و پهلوها و پشت‌های آنها را داغ نهند و [گویند:] این است آنچه برای خویشتن می‌اندوختید، پس [کیفر] آنچه را می‌اندوختید بچشید.» (توبه: ۳۴-۳۵)

خداوند می‌فرماید: کسانی که به دنبال زراندوزی و انباشت ثروت هستند و حقوق شرعی مالشان را نمی‌پردازند و اعتنایی به فقرایی که از تأمین حداقل امکانات زندگی نیز بی‌بهره‌اند ندارند، چنان‌که به پیشانی اسب داغ و نشان می‌نهند، خداوند ثروت انباشته آنها را می‌گدازد و با آنها به بدن ایشان داغ می‌نهد و این‌گونه آنها را عذاب می‌کند و رسوا می‌سازد.

اعتراف به ناتوانی از شکر خدا

حضرت می‌فرماید: «فَالْأَوْكَ جَمَّةٌ ضَعْفَ لِسَانِي عَنْ

نعمت‌هایت، آن‌گونه ستایشی که مورد رضایت توست و احسان و بخشش تو را بر ما سرازیر می‌سازد. ای خدای بزرگ. ای خدای کریم و بخششگر، به حق رحمت‌ای مهربان‌ترین مهربانان.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- علی‌رضا صابری یزدی، *الحکم الزاهرة*، ص ۱۴۰-۱۴۱، ح ۷۲۴.
- ۲- محمدبن یعقوب کلینی، *کافی*، ج ۲، ص ۶۱۰، ح ۱.
- ۳- همان، ح ۳.
- ۴- محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۷۱، ب ۶۱، ص ۵۲، ح ۷۷.

خداوند باید به ما توفیق دهد و امکان سخن گفتن را برای ما فراهم آورد تا در برابر برخورداری از نعمت او حمد او را بگوییم و اگر این توفیق فراهم نیامد و زبان ما بسته ماند، نمی‌توانیم حمد او را بگوییم. پس گفتن «الحمد لله» نیز نعمت خداست که باید به پاس عنایت آن خدا را شکر گزارد و ستایش کرد و بر هر ستایشی، ستایشی دیگر باید و چون بی‌نهایت ستایش و حمد از انسان ساخته نیست، انسان نمی‌تواند ستایش و شکر واقعی یک نعمت خداوند را به جای آورد، تا چه رسد که درصدد شکرگزاری از نعمت‌های بی‌شماری که در اختیار او قرار گرفته برآید. با این حال انسان باید در حد توان به شکرگزاری نعمت‌های خدا برآید که در این صورت، مشمول عنایات فزون‌تر خداوند قرار می‌گیرد. اگر به جای شکر نعمت، به کفران و ناسپاسی نعمت‌های الهی بپردازد، خداوند او را به کیفر و عذابی سخت گرفتار می‌سازد.

قرآن می‌فرماید: «و هنگامی که پروردگارتان به شما آگاهی داد که اگر سپاس گزارید همانا شما را [نعمت] بیفزایم و اگر ناسپاسی کنید، هر آینه عذاب من سخت است.» (ابراهیم: ۷)

«إِلَهِی فَمَا عَدَّیْتَنَا بِطُغْفُکَ، وَرَبَّیْتَنَا بِصُنْعِکَ، فَتَمَّمْ عَلَیْنَا سَوَابِغَ النَّعْمِ، وَادْفَعْ عَنَّا مَکَارَةَ النَّقَمِ، وَآتِنَا مِنْ حُطُوطِ الدَّارِیْنِ أَرْفَعَهَا وَأَجَلِّهَا عَاجِلًا وَأَجَلًّا، وَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی حُسْنِ بَلَائِکَ وَسُبُوغِ نِعْمَاتِکَ، حَمْدًا یُوَافِقُ رِضَاکَ، وَیَخْتَرِی الْعَظِیْمَ مِنْ بَرِّکَ وَنَدَاکَ، یَا عَظِیْمُ یَا کَرِیْمُ، بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ؛ خدایا، چنان‌که ما را در پرتو لطف خود غذا دادی و در مهد حکمت و صنعت خود پرورش دادی، نعمت‌های بی‌شمارت را بر ما به اتمام رسان و ناگواری‌های انتقامت را از ما برگردان و به ما در دو سرا بالاترین و برترین بهره‌ها را کرامت فرما. ستایش تنها تو را سزد در برابر آزمایش نیکویت و وفور



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی